



کمال در سؤال

دکتر محمود مهر محمدی

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس



برای مشاهده فیلم سخنرانی
این مطلب تصویر را اسکن کنید.



متن زیر سخنرانی دکتر محمود مهر محمدی در جشنواره موسوم به چهارسوق
یازدهم، در سال ۱۳۹۷، است. نظر به اهمیت آن، بخش‌هایی از آن را تقدیم می‌کنیم.

خلق ثروت، نسل مستعدتری است. با تغییر جریان تربیت از پاسخ‌محوری به پرسش‌محوری، می‌توان از بی‌جهت گشتن در اینترنت جلوگیری کرد. بنابراین، ابتدا باید بمباران اطلاعات توسط دبیر به دانش‌آموز را کاهش داد تا فضا برای تفکر و تأمل برای دانش‌آموز ایجاد شود. همچنین، گنجاندن بخش سلبی در ارزشیابی‌های فرایندی و پایانی باعث می‌شود دانش‌آموز به طرح

آن نظریه پرسش‌محوری حاکم باشد. این نگاه به پرسشگری، در حال حاضر در مهجوریت است. دانش‌آموزی که چنین ظرفیتی در او شکل گرفته و از مطرح کردن پرسش خود و یافتن پاسخ آن لذت می‌برد، دیگر از مدرسه روی گردان نخواهد بود. به این ترتیب صیانت مدرسه حفظ خواهد شد. نسل پرسشگر قطعاً برای دستیابی به آرمان‌های توسعه علم و فناوری و

پرسش، نماد کمال و تربیت یافتگی است. پرسش در آموزش و پرورش متاع نایابی نیست. سؤال‌های متعددی در کلاس‌های ما پیش می‌آیند، اما کمال نیافته‌اند؛ یعنی برآمده از فهم و ادراک مسئله نیستند. سواد در آموزش و پرورش باید از حجم آگاهی‌ها و گستره آن‌ها، به گستره مجهولات ناب و سؤالات عالمانه دانش‌آموزان تغییر کند. آموزش و پرورش مورد تأیید است که در

سؤال در ذهن خود پردازد. فرصت پرسشگری با همسالان نیز بخش مهمی است که در این رویکرد باید مورد توجه قرار گیرد.

درباره پرسش و پرسشگری سخن بسیار گفته شده است و در عمل هم، در نظام آموزش و پرورش، شاهد جلوگیری یا نهی از طرح پرسش توسط دانش آموزان نیستیم، پس اگر قرار است مسئله پرسش و پرسشگری موضوع بحثی باشد که تازه و جذابیتی متفاوت داشته باشد، از چه زاویه‌ای باید به آن نگریسته شود؟

چگونه به مقوله پرسش نگاه کنیم؟

من می‌خواهم از یک زاویه دیگر به آن نگاه کنم. اینکه پرسش در آموزش و پرورش متاع نایابی نیست. اگر یک تیپ‌شناسی خیلی خیلی اجمالی و دم‌دستی بخواهیم بکنیم، یک عده دانش آموز به یک معنا، درس‌دوست و درس‌خوان داریم که به هر حال در فرایند آموزش، در نوعی تکاپو هستند برای فهم مطلبی که معلم در حال طرحش است. بنابراین، در این تکاپوی خودشان پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند تا بهتر بفهمند؛ خیلی هم عالی و معلمان هم کم‌وبیش از این نوع پرسش‌ها استقبال می‌کنند و تلاش می‌کنند آن فهمی که باید، برای دانش آموز حاصل و ابهامات برطرف شود.

عده‌ای دانش آموز هم داریم که اتفاقاً خیلی درس‌دوست نیستند؛ چه بسا درس‌گریز هم هستند. ولی خب، این‌ها هم پرسش دارند و این‌ها هم طرح پرسش می‌کنند. اما طرح پرسش توسط این دسته از دانش آموزان با اهداف دیگری دنبال می‌شود. قرار است مثلاً امتحانی برگزار شود، چند تا سؤال کنیم، معلم را منصرف کنیم از

امتحان گرفتن یا حتی خودمان معلم را امتحان کنیم. سؤال کنیم که عیار معلم دستانم بیاید و خلاصه یک خرده او را دچار معذورات خاصی کنیم. به هر حال این تیپ سؤالات هم مطرح می‌شوند.

جستجوی کمال در سؤال

من به دنبال طرح این ایده هستیم که در آموزش و پرورش گونه‌ای از پرسش باید نماینده تمام و کمال دستیابی دانش آموزان به رشد و کمال موردنظر

آموزش و پرورش خوب
است که در آن دانش آموزان
قادر می‌شوند پرسش‌های
عالمانه طرح کنند

تلقی شود. سواد در آموزش و پرورش ما باید از حجم دانسته‌ها و حجم آگاهی‌ها یا گستره اطلاعاتی که دانش آموزان در اختیار دارند، تعریفش تغییر کند. سؤال در گستره دانستن، سواد و تربیت‌یافتگی در گستره دانستن دیگر معنا نمی‌شود، بلکه باید در گستره مجهولات ناب، سؤالات با کیفیت، و سؤال‌های عالمانه‌ای که دانش آموزان مطرح می‌کنند، جست‌وجو شود.

تعریفمان از سواد را باید عوض کنیم. تعریفمان از فرهیختگی و تربیت‌یافتگی را باید عوض کنیم و پیشنهاد من این است که طرح سؤال خوب توسط دانش آموزان را نماینده ویژه یا نماینده برتر و برجسته تربیت‌یافتگی بدانیم، اما سؤال با عیار؛ سؤالی که به آن می‌گویید سؤال عالمانه؛ سؤال برآمده از علم؛ سؤالی که پس از فهم مطلب جدید در

ذهن دانش آموز جرقه می‌زند. ذهن او ذهن پرسش‌سازی است که بر اساس دانسته‌های جدید، مجهول جدیدی را خلق می‌کند. پیشنهاد من این است که این را به عنوان معیار تربیت‌یافتگی بپذیریم.

طرح سؤالات خوب، نه این است که ذهن ما فقط انبار اطلاعات بشود؛ حتی اگر آن اطلاعات را به درستی فهم کنیم. در آموزش و پرورش ما، در جریان تعلیم و تربیت، اگر جریان خروجی جریان تعلیم و تربیت، به خاطر سپاری و توسعه محفوظات باشد که خانه از پای‌بست ویران است، اما حتی اگر فهم مطالب هم در دستور کار باشد و خروجی کار تعلیم و تربیت فهم باشد، نظریه پرسش‌محوری می‌گوید که بسنده نیست، کافی نیست. نوعی فراتر رفتن از فهم، از شناخت، نوعی درنوردیدن مرزهای فهم و شناخت است که می‌تواند معرف آموزش و پرورش خوب باشد.

آموزش و پرورش خوب است که در آن دانش آموزان قادر می‌شوند پرسش‌های عالمانه طرح کنند؛ قادر به طرح پرسش‌های باکیفیت و باعیار می‌شوند. گزاره اصلی این نظریه تربیتی، این نگاه متفاوت به سواد و به تربیت‌یافتگی، این است که ما ذهن پردازش‌گر و پرسش‌ساز بر پایه معلومات و مکتسبات را ذهن تربیت‌یافته تلقی می‌کنیم، نه آن ذهنی را که مجموعه‌ای از اطلاعاتی را که در اختیارش قرار گرفته، مانند اسفنج، جذب کرده است و در ذهن خودش نگهداری می‌کند. این نگاه به پرسش و پرسشگری به عنوان نماد تربیت‌یافتگی، یا نماد سواد، البته به باور من، در آموزش و پرورش به رسمیت شناخته نشده و در مظلومیت و مهجوریت است. چرا ما باید به دنبال

چنین نگاه تازه و چنین برند تازه‌ای از تعلیم و تربیت باشیم؟

مجموعه‌ای از چرایی‌ها را می‌شود مطرح کرد. پرسش‌آفرینی و برخورداری از توان استخراج سؤال تازه از معلومات مکتسبه، چرا مستحق تبدیل شدن به برند یا فلسفه تعلیم و تربیت رسمی در عصر کنونی است؟

به نظر من دلایل متعددی وجود دارد. اول اینکه ما در واقع به این ترتیب بهره‌وری جریان تربیت را به حداکثر می‌رسانیم. چرا که در واقع سؤال نشان‌دهنده انرژی متراکم و آزاد نشده یادگیری است. دانش‌آموزی که چنین ظرفیتی را در خودش ایجاد کرده و در واقع چنین انرژی‌ای در او شکل گرفته است، نسبت به دانش‌آموزی که چنین ظرفیتی در او شکل نگرفته، در موقعیتی ممتاز است. انسانی کردن جریان تربیت، لذت بردن از طرح پرسش و همچنین لذت بردن از دستیابی به پاسخ پرسش، دو خصلت و دو ویژگی منحصر به موجود انسانی هستند.

اگر قرار باشد مدرسه بر کارکرد انتقال اطلاعات یا آنچه من به آن پاسخ‌محوری می‌گویم، اصرار کند، در واقع بر شاخه نشسته است و بُن می‌برد. پس تغییر این رویکرد و تغییر نگاه به موضوع سواد و تربیت‌یافتگی از پاسخ‌محوری به پرسش‌محوری، نوعی صیانت از نهاد اجتماعی مدرسه هم محسوب می‌شود. در غیر این صورت باید به جد نگران باشیم که مدرسه ممکن است در واقع دیگر در عصر اطلاعات و ارتباطات دوام نیاورد.

هم‌سویی با آرمان‌های توسعه جامعه

مشخص است که نسل پرورشگر نسلی است که برای دستیابی به آرمان‌های توسعه علم و فناوری و خلق

ثروت در هر جامعه، نسل مستعدتری است. بنابراین، نسل پرسش‌گر یکی از دلایل خوبی است که ما بتوانیم با این تغییر نگرش زندگی کنیم و کنار بیاییم و بالاخره چاره‌ای بالقوه مؤثر است.

رویکرد پرسش‌محوری که در عصر ما به حل معضلی به نام وب‌گردی تبدیل شده و یک تهدید محسوب می‌شود، ما می‌توانیم با تغییر جریان تربیت از پاسخ‌محوری به پرسش‌محوری، وب‌گردی را به فرصت

سؤال نشان‌دهنده انرژی متراکم و آزاد نشده یادگیری است

تبدیل کنیم؛ فرصتی که بسیار ارزنده است و صرف وقت در فضای اینترنت را کاملاً جهت‌دار و هدف‌دار و سازنده می‌کند.

راهکارهای استقرار پرسش‌محوری در نظام تعلیم و تربیت

نخستین موضوع، قطع جریان باران اطلاعاتی توسط معلم و کتاب درسی است؛ البته نه متوقف کردن جریان انتقال اطلاعات و جریان انتقال دانش علمی. خیر، بمباران کردن منظور است؛ یعنی هم به عنوان مؤلفان کتاب درسی و هم به عنوان معلمان، باید قدری از چگالی مطالب کم کنیم

فضایی را باید آماده کنیم برای اینکه مجال تأمل و تفکر و رویش پرسش در ذهن دانش‌آموز ایجاد شود. ارج‌گذاشتن عملی و علنی به دانش‌آموز پرسش‌گر

توسط معلم، مدرسه و والدین. حال اینکه الان این نوع پرسشگری متأسفانه بیشتر تخطئه می‌شود. دانش‌آموزانی که پرسش‌های عالمانه خوب غیر کلیشه‌ای مطرح می‌کنند، معمولاً تخطئه می‌شوند. ارج‌گذاشتن و فرو ریختن قبح ندانستن در ذهن مخاطب.

معلمان، برای اینکه اسوه رفتاری دانش‌آموزان هستند و برای اینکه در ذهن دانش‌آموزان این اسوه رفتاری دانای کل تعریف نشود، حتی اگر لازم باشد، در مواقعی به ندانستن پاسخ برخی از سؤال‌ها تظاهر کنند تا قبح ندانستن و برخورداری از پرسش‌های خوب را، با رفتار خودشان، در ذهن دانش‌آموزان فرو بریزند.

گنجاندن بخش سلیبی در آزمون و ارزشیابی‌ها؛ چه ارزشیابی‌های فرایندی و چه ارزشیابی‌های پایانی. از بچه‌ها بپرسیم در پی معلوماتی که در این کلاس کسب کرده‌اید، چه سؤال‌های تازه‌ای برای شما مطرح شده‌اند؟ منظور از بخش سلیبی در آزمون‌ها چنین چیزی است.

انعطاف در برنامه درسی. اگر برنامه درسی وجه غیرتجویزی نداشته باشد و انعطافی در آن وجود نداشته باشد و در واقع مدرسه فرصت پیگیری پاسخ به سؤال‌های خوب روییده در ذهن دانش‌آموزان را به آن‌ها ندهد، طبعاً ما راه به جایی نخواهیم برد.

و نکته آخر، توسعه یادگیری خارج از کلاس درس است. باید در طبیعت و در محیط‌های طبیعی فرصت گفت‌وگو و یادگیری با همسالان را که فرصت بسیار ناب و بکر و بی‌نظیری است فراهم کرد تا دانش‌آموزانی که از نظر رشدی با همدیگر در سطح بیش‌و کم یکسانی قرار دارند، بتوانند هم‌افزایی کنند.